

بیهقی پژوهی در افغانستان

نگارنده: احمدفهم فیاض*

چکیده

تاریخ بیهقی از مهم‌ترین آثار منثوری است که تاکنون به زبان فارسی نگاشته شده است. این اثر به دلیل سرشت دوگانه‌اش، هم‌واره مورد عنایت ادیبان و تاریخ‌پژوهان بوده است. در مورد این کتاب تحقیقات ارزش‌مندی صورت گرفته که بیش‌ترین سهم را در آن نویسندگان و پژوهش‌گران معاصر ایران کنونی داشته‌اند. این نوشته در پی این بوده است تا به بررسی روند بیهقی‌پژوهی در افغانستان بپردازد و فهرستی از کارهایی که تاکنون در این زمینه انجام شده را ارائه نماید. نتایج این پژوهش، که به گونه‌ی توصیفی - تحلیلی کار شده است، حاکی از این است که بیهقی‌پژوهی در افغانستان متأسفانه بسیار بی‌رمق و کم‌رنگ بوده است. از ۸۰ سال قبل تاکنون در این زمینه، کتاب و یا رساله‌ی مستقلی منتشر نشده و از بین ۱۲۲۰۰ مقاله‌ی که در طول این مدت در ۱۲۲۰ شماره در ۱۵ نشریه‌ی کشور به چاپ رسیده، تنها ۵۲ مقاله در مورد بیهقی و تاریخ بیهقی و ۳۰ مقاله‌ی نزدیک به موضوع تاریخ بیهقی نگاشته شده است، که چیزی در حد ۰,۴٪ مجموع تحقیقات در حوزه‌ی علوم انسانی می‌باشد. موضوع غالب در این مقالات را بررسی‌های جغرافیایی اماکن مطرح در تاریخ بیهقی تشکیل می‌دهد. از بین محققان و نویسندگان افغانستانی بیش‌ترین سهم را در این تحقیقات، استاد عبدالحی حبیبی با نگارش ۱۱ مقاله‌ی مرتبط و پنج مقاله‌ی نزدیک به موضوع تاریخ بیهقی دارد. از جمله دلایل عدم التفات به بیهقی‌پژوهی در افغانستان را می‌توان شرایط نابسامان سیاسی - اجتماعی این کشور، جنگ و ناامنی، فقر، نبود مراکز معیاری تحقیق و عدم حمایت دولت‌ها از اهل تحقیق عنوان کرد.

واژه‌گان کلیدی: بیهقی، تاریخ بیهقی، بیهقی‌پژوهی، نشریات افغانستان.

ISSN

P: 2788-4155

E: 2788-6441

Ghalib

Received: 11/ 06/ 2022

Accepted: 07/ 09/ 2022

Bayhaqi's studies in Afghanistan

Author: AhmadFahim Fayyaz*

Abstract

Tarikh_e_ Bayhaqi is one of the most important prose works written in Persian language so far. Due to its dual nature, this work has always been favored by writers and historians. Valuable researches have been done about this book, in which contemporary writers and researchers of Iran have contributed the most. This article has sought to examine the process of research in Afghanistan and provide a list of the works that have been done in this field so far. The results of this research, which has been done in a descriptive-analytical way, indicate that the research in Afghanistan has unfortunately been very lackluster. Since 80 years ago, no independent book or treatise has been published in this field, and out of 12,200 articles published in 1,220 issues in 15 magazines of the country during this period, only 52 articles are about Bayhaqi and the history of Beyhaqi and 30 related articles. It has been written on the topic of Bayhaqi history, which is about 0.4% of the total research in the field of humanities. The dominant topic in these articles is the geographical research of the prominent places in the history of Bayhaqi. Among the Afghan researchers and writers, Prof. Abdul Hai Habibie has contributed the most in this research by writing 11 related articles and five articles related to the topic of Bayhaqi history. Among the reasons for not paying attention to research in Afghanistan, we can say the political and social unrest of this country, war and insecurity, poverty, lack of standard research centers and lack of government support for researchers.

Key words: Bayhaqi, Tarikh_e_ Bayhaqi, Bayhaqi research, Afghan publications.

* PhD student in Persian Language and Literature, Allameh Tabatabai's University (Ahmadfahim_haidari@yahoo.com)

This article is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial-No Derivatives 4.0 International License



۱. مقدمه

تاریخ بیبھی با سرشت دوگانه تاریخی - ادبی بی که دارد از زمان تألیف تاکنون همواره مورد توجه ادیبان، نویسندگان و مورخان بوده و تحقیقات فراوانی در مورد این کتاب و مؤلف آن صورت گرفته است. اکثر تحقیقات در این زمینه در دوره معاصر و در محدوده جغرافیایی ایران امروزی و توسط محققان طراز اول معاصر ایران صورت گرفته است؛ اما در دیگر کشورهای فارسی‌زبان و میراث‌دار تاریخ بیبھی، یعنی افغانستان، تاکنون چه تحقیقاتی در مورد بیبھی و تاریخ آن صورت گرفته است؟ این مسأله با وجود اهمیتی که دارد تاکنون چنان که باید و شاید مورد عنایت قرار نگرفته است. در این نوشته در پی آنیم تا به بررسی کارها و تحقیقاتی که در افغانستان در زمینه تاریخ بیبھی صورت گرفته است بپردازیم.

فهرست‌نویسی و بررسی تحقیقات قبلی در هر زمینه‌یی، از اموری است که اهمیت و ضرورت آن بر هیچ اهل تحقیقی پوشیده نیست. بزرگ‌ترین لطفی که این‌چنین کارها دارد، این است که دسترسی به گذشته تحقیقی در زمینه مزبور را برای پژوهش‌گران بعدی آسان می‌سازد و باعث شکل‌گیری ذهنیتی روشن از موضوع مورد پژوهش در ایشان می‌شود و از جانب دیگر، از تحقیقات موازی، و تا حدودی، از سرقت‌های ادبی جلوگیری می‌نماید. امروزه با توجه به گسترش دامنه تحقیقات ادبی و نیز شمار زیاد کسانی که قدم در وادی پژوهش و تحقیق می‌گذارند به انجام چنین کارهایی ضرورت بیش‌تری احساس می‌شود. این نوشته با بررسی پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه بیبھی و تاریخ بیبھی، چشم‌اندازی از گذشته بیبھی پژوهی در افغانستان را ارائه نموده و با نشان دادن خلاءهای موجود در این زمینه، محققان را در انجام پژوهش‌های بعدی یاری می‌رساند.

مهم‌ترین تحقیقی که در مورد کتاب‌شناسی و بررسی سیر تحول تحقیقات درباره بیبھی پژوهی صورت گرفته است، کتاب «بیبھی پژوهی در ایران» نوشته دکتر احمد رضی است، که در ۱۳۸۷ ه.ش. توسط انتشارات حق‌شناس چاپ شده است. در این کتاب نویسنده سعی نموده کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقالاتی که در مورد تاریخ بیبھی نوشته شده را لیست و تحلیل نماید. دیگر کاری که در این زمینه و در چوکات مقاله انجام شده، «کتاب‌شناسی تاریخ بیبھی» است که به‌وسیله دکتر محمد رضا ابن‌الرسول و نفیسه رئیسی انجام یافته و در فصل‌نامه تاریخ اسلام، سال نهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۷ و شماره مسلسل ۳۵-۳۶ چاپ شده است. این مقاله تنها لیست ۲۷۰ کتاب، مقاله و پایان‌نامه با موضوع تاریخ بیبھی را دربر دارد. مقاله دیگری که در این زمینه چاپ شده است، «تاریخ بیبھی و پژوهش‌های ادبی» است، که توسط دکتر عبدالرضا مدرس‌زاده نگارش یافته و در مجله زبان و ادبیات فارسی دانش‌گاه آزاد اسلامی، واحد فسا، سال اول، شماره دوم، زمستان ۱۳۸۹ نشر گردیده است. در این مقاله نویسنده به ارائه گزارشی از روند چاپ تاریخ بیبھی و نیز توجه محققان و منتقدان به این

کتاب پرداخته است. این کارها و کارهای دیگری از این قبیل که به مناسبت در آثار گوناگونی نشر شده، همه‌گی محدود به حوزه جغرافیایی ایران امروزی است و از کارهای انجام‌شده در افغانستان یادآوری نشده؛ مگر چند مقاله محدود که دست‌رسی به منابع آن مقصور بوده و یا آن مقالات احیاناً در یکی از نشریات ایران چاپ شده است. در این مقاله سعی بلیغ صورت گرفته تا با استفاده از منابعی که دست‌رسی به آن‌ها میسر است، کارهایی که در زمینه بیهقی پژوهی در افغانستان انجام‌شده جمع‌آوری و مورد بررسی قرارگیرد تا هم مکمل کارهای قبلی باشد و هم نشان‌دهنده سیر بیهقی پژوهی در افغانستان.

این تحقیق که تهیه نوعی کتاب‌شناسی و بررسی سیر تحقیقات بیهقی پژوهی در افغانستان می‌باشد، به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام شده است؛ طوری که ابتدا منابعی که احتمال می‌رفت کارهایی در مورد بیهقی و تاریخ بیهقی در آن‌ها چاپ شده باشد (نشریات) مشخص و لیست مقالات شان بررسی و عناوین مقاله‌هایی که مربوط به موضوع مورد بحث بود بیرون‌نویس شد و بعد مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. لازم به ذکر است که نگارنده با وجود تلاش‌های بسیار، به دلیل وجود برخی مشکلات، نتوانست به متن برخی از مقالات دست‌رسی پیدا کند.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که پژوهش در مورد بیهقی و تاریخ بیهقی در افغانستان چنان‌که باید مورد توجه قرار نگرفته است. در رابطه با این اثر ارزش‌مند، هیچ کتاب مستقلی به نگارش در نیامده است. از بین ۱۲۲۰ شماره در ۱۵ نشریه کشور، تنها ۵۲ مقاله در مورد بیهقی و تاریخ وی سخن گفته‌اند.

۲. بیهقی، تاریخ وی و نگاه ادب‌شناسان

در طول تاریخ پربار ادب فارسی، کسان زیادی در پهنه پهنای این زبان قلم راندند و گوهرهای نفیسی به نظم و نثر به گنجینه زبان و ادب فارسی هدیه نمودند؛ ولی کم‌تر کسی است که توانسته باشد مانند ابوالفضل بیهقی «این قیمتی در لفظ دری را» در قالب نثر و در حوزه تاریخ، چنان استادانه به رشته کشد که حلاوت آن کام سخن‌شناسان را، حتا بعد از هزار سال، این چنین شیرین نماید.

ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی، نویسنده و مؤرخ قرن پنجم هجری، در سال ۳۸۵ هـ.ق. در حارث‌آباد بیهق به دنیا آمد. در بیهق و نیشابور تحصیل کرد. در سال ۴۱۲ هـ.ق. در دیوان رسالت محمود غزنوی به ریاست بونصر مشکان به خدمت مشغول شد و نوزده سال نایب بونصر بود. نه سال در دوران محمود غزنوی (متوفی ۴۲۱ هـ.ق.) و بقیه در ایام فرمان‌روایی مسعود غزنوی (۴۲۱-۴۳۲ هـ.ق.) پس از مرگ بونصر (۴۳۱ هـ.ق.) و به رغم سفارش او، بیهقی به جای ریاست دیوان به نیابت بوسهل زوزنی رسید. او نه سال در دوره امیر محمد و مودود بن مسعود (۴۳۲-۴۴۱ هـ.ق.) هم‌چنان

در دیوان رسالت بود. پس از مودود از دربار دور شد و حتا به حبس افتاد. با شروع فرمان‌دهی فرخ‌زاد بن مسعود (۴۴۴ هـ.ق.) به دربار بازگشت و معتمد و چندی دبیر او شد. در این دوره به انزوا به سر می‌برد و سرگرم تألیف کتاب خود بود. واپسین سال‌های عمر خود را در دوره ابراهیم بن مسعود گذراند و در سال ۴۷۰ هـ.ق. در غزنه درگذشت (سیدقاسم، ۱۳۹۸: ۷۲ به نقل از مقدمه یاحقی). این دبیر خبیر رفت؛ ولی کاخ بلندی را که با نثر زیبایش پی‌افکنند، تاکنون استوار است و روزبه‌روز بر ارزش آن افزوده می‌شود.

تاریخ بیهقی که به نام‌های تاریخ آل سبکتگین، جامع‌التواریخ، جامع فی تاریخ سبکتگین، تاریخ نصری، تاریخ یمینی و بالآخره تاریخ مسعودی شهرت دارد (سبزواری، ۱۳۸۶: ۳۶) به حق از گنجینه‌های گران‌سنگ زبان و ادب فارسی است، که در میان متون نثر فارسی از پربارترین و ارزش‌مندترین آثار محسوب می‌شود. این کتاب، «خسروانی پرنیانی است بافته‌شده از گفتار خوب»^۱ که آن گفتار خوب «به شهد عبارت برآمخته است»^۲ و در اوج بلاغت زبان فارسی قرار دارد. تاریخ بیهقی در مورد وقایع تاریخی روزگار غزنویان است و در کنار آن اطلاعات بسیار ارزش‌مندی را در زمینه‌های گوناگون نیز در بردارد.

آغاز تألیف تاریخ بیهقی سال ۴۴۸ هـ.ق. و موضوع آن رویدادهای چهل‌ودو سال از پادشاهی غزنویان است و در سی فصل یا مجلد تدوین شده است (همان، ۵۲) که متأسفانه اکثر بخش‌های آن «از باد و باران روزگار گزند یافته» و تنها از بخش پنجم _ آن هم از میانه آن _ تا بخش دهم در حال حاضر موجود می‌باشد «که از نامه ارکان دولت مسعودی به امیر مسعود آغاز می‌گردد و پس از ذکر رویدادهای گوناگون دوره حکومت مسعود غزنوی، مجلد نهم کتاب با قصد رفتن مسعود به هند پایان می‌یابد و نویسنده در پایان همین مجلد وعده می‌دهد که مجلد دهم را با دو باب خوارزم و جبال آغاز خواهد کرد و سپس موضوع رفتن مسعود را به هندوستان تا پایان کارش می‌نویسد؛ اما آنچه از مجلد دهم به دست ما رسیده فقط ذکر خوارزم است» (همان‌جا)؛ باوجود این، در ضمن کتاب مطالب بسیار مفیدی درباره تاریخ غزنویان پیش از مسعود و تاریخ صفاریان و سامانیان و سلجوقیان و جز آن‌ها آمده است؛ هم‌چنین اطلاعات گران‌بهایی درباره شاعران و اشعار آنان دارد، که منحصر به فرد است.

در مورد تاریخ بیهقی کسان زیادی، هم از اهل زبان فارسی و هم از اهل سایر زبان‌ها، اظهار نظرها نموده‌اند. از جمله، استاد سعید نفیسی، مصحح تاریخ بیهقی می‌نویسد: «تاریخ بیهقی یگانه

^۱ برگرفته از این بیت ادیب پیشاوری:

خسروانی پرنیانی باقی از گفتار خوب / پس به یاقوت و گهر آمده‌اش دامن کنی (دیوان ادیب پیشاوری، ۱۳۶۲: ۱۷۷).

^۲ برگرفته از این بیت سعدی:

به شهد عبارت بر آمیخته / به پرویزن معرفت بیخته (بوستان سعدی، ۱۳۸۱: ۶۰).

کتابی است که جزئیات زنده‌گی شبانه-روزی و کردار و گفتار مردم این سرزمین را در زمان‌های قدیم در بر دارد و هیچ کتاب دیگری نیست که در تاریخ یکی از ادوار گذشته، به این دقت و تفصیل نوشته شده باشد و نویسنده آن تا این اندازه راست‌گو و مؤمن و بی‌پروا باشد» (به نقل از سبزواری، ۱۳۸۶: ۳۷). استاد فروزانفر در مورد تاریخ بیهقی می‌فرماید: «تاریخ بیهقی به‌ترین سند تاریخی عصر مسعود است و زنده‌گانی مسعود را توسط آن می‌توان معاینه دید. نثر آن بی‌نظیر و فوق‌العاده استادانه و محکم و در عین حال روان و مؤثر است» (همان، ۳۸). دکتر علی‌اکبر فیاض، دیگر مصحح تاریخ بیهقی در مورد نویسنده این کتاب می‌نگارد: «در همه مورخین قدیم ما شاید هیچ‌کس به قدر بیهقی معنی تاریخ را درست نفهمیده و به شرایط و آداب تاریخ‌نویسی استشار نداشته است» (همان: ۳۹). دکتر ذبیح‌الله صفا در این مورد چنین ابرازنظر می‌نماید: «اهمیت تاریخی این کتاب (تاریخ بیهقی) فقط در آن نیست که قسمتی از مهم‌ترین حوادث سیاسی دوره غزنوی در آن نگارش یافته است؛ بل که بیش‌تر از باب روش کار مؤلف و اتقان و صحت مطالب و دقت بیهقی در نقل حوادث و استفاده او از اسناد و مدارکی است که مقام درباری او در اختیارش نهاده بود» (همان: ۴۰).

بارتولد خاورشناس روسی در مورد تاریخ بیهقی می‌نگارد: «تاریخ بیهقی در میان تألیفات تاریخی مسلمانان و لاقلاً آن‌چه به دست است مقام کاملاً ویژه‌یی دارد... در تألیف وی اخبار بالنسبه مشروحو دربارۀ روابط خارجی دیده می‌شود، بیش‌تر نامه‌هایی که به سلاطین نوشته می‌شد به تحریر خود وی بود... متأسفانه نتوانسته متن اصلی اسناد مزبور را نقل کند... مع‌هذا فقدان اسناد مانع از آن نشد که مؤلف تألیفی نادر و واقعاً پربها برای آینده‌گان باقی‌گذارد» (همان: ۴۳). از این قبیل اظهار نظرها در مورد بیهقی و تاریخش فراوان است، که حکایت از التفات ویژه‌ اهل نظر به این اثر نفیس زبان فارسی و نویسنده مفضل آن دارد.

۳. بیهقی پژوهی در افغانستان

در این بخش ابتدا به بررسی تحقیقاتی که در مورد بیهقی و تاریخ بیهقی در افغانستان صورت گرفته پرداخته شده و در ادامه به عوامل کم‌توجهی پژوهش در این زمینه اشاره شده است؛ در اخیر هم لیست تحقیقاتی که تاکنون در این مورد صورت گرفته، به ترتیب نام نویسنده گان آورده شده است:

۳-۱. بررسی پژوهش‌ها

بدیهی است که حاصل تحقیقات در هر زمینه‌یی در قالب کتاب، پایان‌نامه (رساله) و یا مقاله منتشر می‌شود. تا جایی که نگارنده جست‌وجو نموده است در ۸۰ سال گذشته، در مورد بیهقی و تاریخ

بیهقی در محدوده جغرافیایی افغانستان در قالب کتاب، تحقیق مستقلی صورت نگرفته است. احتمال می‌رود در دانش‌کده‌های ادبیات دانش‌گاه‌های مرکز و ولایات، کارهایی در مورد تاریخ بیهقی انجام شده باشد؛ ولی به دلیل عدم وجود سیستم منظم ثبت و نشر تحقیقات در افغانستان، از وجود آن‌ها بی‌خبریم؛ اگر متهم به بدبینی و قضاوت نادرست نشوم، باتوجه به این‌که بنده در یکی از به‌ترین دانش‌گاه‌های کشور، یعنی دانش‌گاه هرات، تحصیل نمودم و وضعیت تحقیقات علمی در این دانش‌گاه تا حدودی برایم روشن است، می‌توانم حدس بزنم که اگر احیاناً در زمینه بیهقی و تاریخ بیهقی در دانش‌کده‌های ادبیات کشور کارهایی هم صورت گرفته باشد، احتمالاً کارهای قوی‌یی نمی‌باشد؛ هرچند در این زمینه از وجود استثناءها نمی‌توان چشم پوشید؛ بناءً در افغانستان در زمینه بیهقی پژوهی از وجود کتاب و رساله _ تا جایی که نگارنده اطلاع دارد _ بی‌بهره‌ایم.^۳ می‌ماند مقاله.

شاید تا این‌جا وضعیت بیهقی پژوهی در افغانستان تا حدودی معلوم شده باشد. وقتی در مورد یک موضوع کتاب و رساله منتشرشده‌یی موجود نباشد، اگر در آن زمینه مقالات اندکی هم نگاشته شده باشد، طبیعی به نظر می‌رسد. بنده به منظور یافتن مقالات نگاشته‌شده در مورد بیهقی و تاریخ بیهقی، از بین نشریات افغانستان، ۱۵ عنوان مجله را که در حوزه علوم انسانی، خصوصاً در زمینه فرهنگ و ادبیات فعالیت داشتند، برگزیدم و در طول چندین ماه در آن‌ها جست‌وجو نمودم. حدود ۱۲۲۰ شماره از این مجله‌ها را، که دسترسی به آن‌ها مقدور بود، دیدم و فهرست مطالب شان را به دقت مرور کردم. در این جست‌وجو مقالاتی را که مستقیم به بیهقی و تاریخ بیهقی مرتبط بود، جدا و مقالاتی را که به طور غیرمستقیم به تاریخ بیهقی ارتباط می‌گرفت^۴، جدا فهرست نمودم. در نهایت موفق شدم به تعداد ۵۲ مقاله مرتبط به تاریخ بیهقی و ۳۰ مقاله‌یی را که ارتباط غیر مستقیم به تاریخ بیهقی داشت، فهرست نمایم که این تعداد به تناسب تعداد شماره‌های مجله‌ها و مقالات منتشرشده در آن‌ها بسیار ناچیز به نظر می‌رسد.

فهرست مطالب ۱۲۲۰ شماره از مجله‌های پانزده‌گانه دیده‌شده است. اگر به طور اوسط هر شماره دارای ۱۰ مقاله باشد، تعداد مقاله‌های منتشر شده در این شماره‌ها، ۱۲۲۰۰ مقاله می‌شود؛ یعنی از بین ۱۲۲۰۰ مقاله، فقط ۵۲ مقاله در ارتباط به بیهقی و تاریخ بیهقی کار شده است، که این تعداد

^۳ پوهاند نجیب الله فریور، استاد بازنشسته دانش‌گاه هرات، ضمن گفت‌وگوی حضوری‌یی که نگارنده با ایشان داشت، عارض شدند که: «تاریخ بیهقی با حواشی سرور همایون در افغانستان توسط نشرات بیهقی در کابل چاپ شده است، هم‌چنین ایشان یادآور شدند که در دیپارتمنت زبان و ادبیات دری دانش‌کده تعلیم و تربیه دانش‌گاه هرات تاکنون بالای ده عنوان پایان‌نامه در مورد تاریخ بیهقی کار شده، که بعضاً درخور چاپ و نشر می‌باشند»، ولی متأسفانه تا زمان نگارش این مقاله نگارنده را دسترسی به آن کتاب و آن پایان‌نامه‌ها میسر نشد؛ هم‌چنان پوهاند محمدناصر رهیاب، استاد دانش‌کده ادبیات دانش‌گاه هرات، مقاله‌یی با عنوان «برخ روستاها و شهرک‌ها در تاریخ بیهقی» در سه شماره از مجله کتاب، ارگان نشراتی کتاب‌خانه عامه کابل منتشر کرده اند، که متأسفانه قابل دریافت نبود.

^۴ منظور مقاله‌هایی است که در مورد تاریخ غزنویان و یا جغرافیای قلمرو آنان نگاشته شده است.

مقاله چیزی در حدود ۰,۴٪ می‌شود و اگر از روی مسامحه آن ۳۰ مقاله را هم در ارتباط مستقیم با بیهقی و تاریخ بیهقی بپنداریم، چیزی در حدود ۰,۶۷٪ می‌شود؛ یعنی از ۸۰ سال قبل به این طرف، از بین هر صد مقاله‌یی که در افغانستان و در حوزه علوم انسانی نگاشته شده است، ۰,۴ و یا ۰,۶۷ مقاله به ارتباط تاریخ بیهقی بوده است، که آماری است بسیار بسیار ناچیز.

مقالات مذکور را از نظر موضوعی می‌توان به هشت دسته به شرح زیر دسته‌بندی نمود:

۱. اماکن جغرافیایی تاریخ بیهقی، ۲۰ مقاله؛
۲. معرفی شخصیت‌های تاریخ بیهقی، ۱۰ مقاله؛
۳. بحث در مورد محتوای تاریخ بیهقی، هفت مقاله؛
۴. معرفی بیهقی، تاریخ بیهقی و ذکر مآخذ آن، شش مقاله؛
۵. بحث‌های زبانی - واژه‌گانی، چهار مقاله؛
۶. بیان هنر نویسندگی بیهقی، سه مقاله؛
۷. نقد کارهای دیگران در مورد بیهقی، یک مقاله؛
۸. خصوصیات ادبی - بلاغی تاریخ بیهقی، یک مقاله.

طوری که به نظر می‌رسد، از نظر محتوایی، بیش‌ترین بسامد بیهقی‌پژوهی در افغانستان را پژوهش‌های جغرافیایی و کم‌ترین بسامد را پژوهش‌های ادبی - بلاغی تشکیل می‌دهند. این‌درحالی است که تاریخ بیهقی به همان میزان که تاریخ است، به همان اندازه، و یا شاید هم بیش‌تر، کتابی ادبی است و ظرفیت پژوهش‌های ادبی را داراست. لازم به ذکر است که اکثر این مقاله‌ها از لحاظ شکلی با معیارهای پذیرفته‌شده مقاله‌نویسی منطبق نبوده و بیش‌تر به شکل یادداشت‌های کوتاه در نشریات به چاپ رسیده است.

محدوده زمانی نگارش این مقالات از سال ۱۳۲۱ تا ۱۴۰۱، یعنی ۸۰ سال را در بر می‌گیرد. اسامی کسانی که در طول این مدت در مورد تاریخ بیهقی مقاله نگاشتند در بخش فهرست مقالات خواهد آمد؛ اما در این‌جا درخور یادآوری است که از بین این نویسندگان، استاد عبدالحی حبیبی با نگارش ۱۱ مقاله مرتبط و پنج مقاله نزدیک به موضوع، بیش‌ترین سهم را در نگارش این مقالات داشته و محمدرضا مایل هروی با نگارش پنج مقاله مرتبط به موضوع، علی احمد نعیمی با نگارش چهار مقاله مرتبط و یک مقاله نزدیک به موضوع و استاد خلیل الله خلیلی با نگارش سه مقاله مرتبط به موضوع به ترتیب در جای‌گاه‌های دوم تا چهارم قرار می‌گیرند.

سایر مطالب مرتبط به این بحث، به منظور جلوگیری از اطاله کلام، در جدول زیر آمده است:

شماره	نام مجله	صاحب امتیاز	تعداد شماره‌های دیده شده مجله‌ها	تعداد مقالات مرتبط به موضوع	تعداد مقاله‌های نزدیک به موضوع
۱	ماهنامه / دوماهنامه آریانا	انجمن تاریخ افغانستان	۳۵۰	۲۷	۲۰
۲	دو / سه‌ماهنامه ادب	دانش‌کده ادبیات دانشگاه کابل	۸۷	۵۳	۵
۳	فصلنامه ادبیات معاصر	بنیاد اندیشه	۱۹	۲	۱
۴	فصلنامه خط سوم	مؤسسه فرهنگی در دری	۷	۰	۰
۵	دوماهنامه خراسان	اکادمی علوم افغانستان	۳۰	۱	۴
۶	فصلنامه دُرّ دری	مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان	۱۴	۰	۰
۷	فصلنامه سراج	مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان	۳۰	۰	۰
۸	فصلنامه غالب	دانش‌گاه غالب هرات	۳۵	۰	۰
۹	ماهنامه کابل ^۶	ریاست اطلاعات کادمی علوم افغانستان	۲۰	۰	۰
۱۰	ماهنامه ادبی هرات	انجمن ادبی هرات	۵۲۰	۱۴	۰
۱۱	فصلنامه هرات باستان	آمریت ابدات تاریخی هرات	۲۵	۲	۰
۱۲	دو هفته‌نامه اورنگ و اورنگ هشتم	انجمن ادبی هرات	۴+۴۷	۳	۰
۱۳	فصلنامه هری (کابل) و (مشهد)	فرهنگیان هرات مقیم کابل / مشهد	۴+۴	۰	۰
۱۴	دوماهنامه پیوند	کانون فرهنگی جامی	۴	۰	۰
۱۵	هفت قلم	ریاست اطلاعات و فرهنگ هرات	۱۹	۰	۰
تعداد مجموع مقاله‌ها			۱۲۱۹	۵۲	۳۰

۳-۲. عوامل کم‌توجهی به بیهقی پژوهی در افغانستان

بعد از مشاهده نتایج فوق، نخستین سوالی که در ذهن خطور می‌کند این است که: چه عواملی باعث شده است که بیهقی پژوهی در افغانستان نسبت به ایران تا این حد کم‌رنگ و بی‌رونق باشد؟ در

^۵ یک مقاله مشترک بین آریانا و ادب «چند لفظ مروج پستو در تاریخ بیهقی»
^۶ به زبان پستو.

پاسخ به این سوال شاید بتوان دلایل و عوامل متعددی را بر شمرد. در ذیل به گونه‌ی اجمالی به برخی از آن دلایل پرداخته می‌شود.

الف. یکی از دلایل می‌تواند این باشد که: «جغرافیای کهن افغانستان پس از پایان سده‌ی دهم، یعنی پس از تیموریان هرات در تداوم سده‌های یازدهم و دوازدهم هجری قمری تاکنون دست‌خوش بحران‌های پی‌درپی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مختلفی است، که پیامدهای ویران‌گری را به دنبال داشته است» (رویین، ۱۳۹۵: ۲). حتی با آغاز سلطنت احمدشاه ابدالی در سال ۱۱۵۳ ه.ش. و شکل‌گیری نظام پادشاهی جدید و تغییر نام خراسان به افغانستان، هم‌چنان بحران‌های داخلی و اختلافات میان شاهان این کشور ادامه داشت. تنها نقطه‌ی عطف تاریخ معاصر افغانستان را می‌توان آغاز سلطنت شاه امان‌الله در سال ۱۲۹۸ ه.ش دانست. هر چند در این زمان به دلیل مشغله‌های زیاد سیاسی و نظم و نسق امور کشورداری، کار فرهنگی چندانی صورت نگرفت؛ اما گردآمدن نویسندگان و صاحب‌قلمانی چون: محمود طرزی، عبدالهادی داوی و انتشار مجله‌ی *سراج الاخبار* از امور مهم فرهنگی آن دوران است، که در تاریخ سیاسی افغانستان از دوران مشروطه آغاز گشته و مبدا کار پژوهش‌گران افغانستانی به این سال‌ها بر می‌گردد (احمدی بلندی، ۱۳۸۹: ۳۱). این تغییرات تا ختم دوره‌ی پادشاهی محمدظاهر شاه در سال ۱۳۵۲ ه.ش. ادامه یافت؛ اما با کودتای سردار محمد داوود خان، روی کار آمدن نظام کمونیستی، تجاوز ارتش شوروی، شکل‌گیری دولت مجاهدین و اختلافات میان ایشان، ظهور نظام طالبان، مهاجرت تعداد زیادی از مردم به دیگر کشورها، ادامه یافتن جنگ و حوادث ناگوار مانع بزرگی بر سر راه انجام پژوهش‌های کافی در این زمینه و سایر زمینه‌های علمی گردیده است.

بدیهی است که وقتی صلح و آرامش نباشد و مردم از نگاه اقتصادی در مضیقه قرار داشته باشند، کس را هوای تحقیق در سر نخواهد شد؛ زیرا پرداختن به کارهای عملی - تحقیقی در قدم نخست مستلزم وجود آرامش روحی و روانی و در قدم بعدی عدم وجود دغدغه‌ی معاش است، که متأسفانه در سرزمین ما سال‌های متمادی می‌شود که نخستین خیلی کم و دومی به قوت وجود دارد.

ب. دلیل دیگر این است که در کشور ما دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی کافی وجود نداشته است. متأسفانه در هشتاد سال گذشته به دلیل اوضاع نامساعد سیاسی - اجتماعی افغانستان، بیشتر مناطق این کشور از وجود مراکز تعلیمی و دانشگاه‌ها محروم بوده است و اکثر اتباع کشور، خصوصاً قشر جوان، حتی به آموزش‌های ابتدای دسترسی نداشته‌اند و در طول این سال‌ها درصد بی‌سواد جامعه همیشه بیشتر از فیصدی باسواد جامعه بوده است.

ج. ضعف نظام آموزشی در افغانستان را می‌توان دلیل دیگری در این راستا بر شمرد. طوری که در قسمت قبلی اشاره شد، در گذشته مراکز تعلیمی و دانشگاه‌ها در تمام کشور قابل دسترس نبوده است؛

در بیست سال اخیر به یمن وجود امنیت نسبی تعداد مراکز علمی و دانشگاه‌ها در کشور گسترش یافت؛ اما کیفیت این مراکز به خاطر موجودیت سیستم ضعیف درسی و بعضاً مسوؤلان و آموزگاران غیر مجرب، در سطحی بسیار نازل بوده است.

۵. عدم وجود تعداد زیاد محققان طراز اول در کشور. طبیعی است که در وضعیت نابسامان اجتماعی - اقتصادی جامعه، نبود مراکز تعلیمی زیاد و ضعف نظام آموزشی، محقق تربیه نمی‌شود؛ آن هم از محققان سطح بالایی که بتوانند کارهای درخور و چشم‌گیری انجام دهند. در هشتاد سال اخیر تعداد انگشت شماری از پژوهش‌گران در این سرزمین وجود داشتند که توانستند در زمینه‌های خاص، آن هم مطابق به علایق شخصی شان کارهای قابل اعتنایی انجام دهند.

۶. عدم حمایت دولت‌مردان و صاحبان قدرت از تحقیق و محققان. از زمان احمد شاه بابا به این طرف، تقریباً تمام حکام افغانستان درگیر زد و بندهای سیاسی، جنگ و کشت و کشتار بودند. این روند تا اکنون نیز ادامه دارد. در طول این مدت کمتر دولتی به موضوعات فرهنگی و علمی و حمایت از قشر فرهنگی و اهل قلم جامعه، چنان که باید، عنایتی داشته است.

۷. نبود امکانات کافی در قسمت چاپ و نشر کتاب. در سال‌های اخیر صنعت چاپ و نشر کتاب تا حدودی در کشور رونق گرفته است، ولی در گذشته به دلایل مختلف، این صنعت در کشور ما چندان رونقی نداشته است.

۸. تعصبات قومی و لسانی. از بزرگترین معضلاتی که دامنگیر افغانستان بوده و هست، تعصبات قومی و لسانی است. از زمان احمدشاه بابا تا اکنون، اقتدار سیاسی را اقوام پشتون افغانستان در دست داشتند و اکثراً نسبت به زبان و ادب فارسی بی‌توجه بودند و حتی در دوره‌هایی، سیاست فارسی‌ستیزی را تعقیب می‌کردند. «از ۱۱۲۶ خورشیدی یعنی اعلام پادشاهی احمدشاه درانی تاکنون، رفتار دولت‌ها با زبان فارسی را می‌توان به دو دوره تقسیم کرد. در دوره اول یعنی از حکومت احمدشاه درانی تا امان الله خان، این رابطه غالباً نیکو بوده است... و اکثر حکام تعصبی نسبت به زبان فارسی نداشته‌اند... دوره دوم از حکومت نادرخان و فرزندش شروع می‌شود. در واقع از این دوره، سیاست فارسی‌ستیزی از سوی حکومت احساس شد... شاید بتوان محور این فارسی‌ستیزی را محمد داوودخان دانست که شخصی بود بسیار ملی‌گرا، آن هم با گرایش شدید پشتون‌خواهی... خلاصه این که در این حدود هفتاد سال (از حکومت نادر خان تا کنون) زبان فارسی همچنان مورد کم‌عنایتی دستگاه‌های حاکمه کشور بوده است. متأسفانه در سال‌های اخیر نیز نشانه‌هایی از تغییر رویه دیده نمی‌شود، بلکه گاه عملکردهایی را شاهدیم که خبر از ادامه سیاست‌های پیشین دارد» (کاظمی، ۱۳۸۹: صص ۳۱ تا ۳۱ با اندکی تصرف).

به‌هرحال، تاکنون، هر چه بود و نبود گذشت، امیدواریم که از این به بعد، مشکلات فراروی این آب‌و‌خاک مرفوع شود، تا در این خطه شاهد ظهور محققان نخبه و دست‌آورد‌های شان باشیم. ناکفته نماند که این کار کوچک، به مثابه نخستین گام در این وادی است و نگارنده هرگز ادعا نمی‌کند که موضوع مورد بحث را از تمام زوایا کاویده و یا تمام منابع تحقیقی را دیده است. در این قسمت هنوز جای کار بسیار است و شاید در کنج و کناره‌های این کشور، کارهای درخوری در این زمینه صورت گرفته باشد، که ما از وجود آن‌ها اطلاعی نداریم؛ آن‌چه در این نوشته آمد، چشم‌دید نگارنده از جست‌وجوی مختصر در منابعی محدود بوده است. انجام این کار در دامنه وسیع‌تر و باحوصله بیش‌تر، طبیعتاً نتایج دقیق‌تری را در پی خواهد داشت.

۳-۳. لیست مقالات مرتبط به موضوع

احراری، منشی عبدالکریم.

۱. «رحم و شفقت و نتایج آن (خواب سبکتگین)» ماه‌نامه ادبی هرات، دور دوم، سال نهم، شماره ۱۰، جدی ۱۳۳۵، صص ۳۸ تا ۳۹.

اسلمی، شاذیه.

۱. «بیهقی، نویسنده هنرمند». ادبیات معاصر، بهار ۱۳۹۶، سال دوم، شماره ششم، صص ۲۶ تا ۲۹.

بینوا، عبدالرؤف.

۱. «داور یا زمین‌داور». آریانا، ۱۳۲۱، سال اول، شماره چهارم.

تابش، قنبرعلی.

۱. «هم‌سانی‌های متن تاریخ بیهقی با لهجه امروز مردم غزنی». ادبیات معاصر، بهار و تابستان ۱۳۹۵، سال اول، شماره‌های دوم و سوم، صص ۳۰ تا ۳۷.

بی‌نام.

۱. «میراث ادبی (حکایت)»، دو هفته‌نامه اورنگ، سال اول، شماره اول، جدی ۱۳۷۸، ص ۴.

حبیب، اسدالله.

۱. «تاریخ مسعودی و مؤلف آن». (ترجمه) آریانا، ۱۳۵۴ و ۱۳۵۵، سال ۳۳ و ۳۴، شماره ۴ و ۵، صص ۱ تا ۳۴ و صص ۱۳ تا ۳۲.

حبیبی، عبدالحی.

۱. «جای وفات سبکتگین». آریانا، جوزای ۱۳۲۵، سال چهارم، شماره پنجم.

۲. «روش تاریخ‌نویسی دو مورخ بزرگ (بیهقی و منهاج سراج)». آریانا، حمل ۱۳۲۵، سال چهارم، شماره سوم، صص ۸۰۷ تا ۸۱۵.

۳. «تگین آباد کجا بود؟». آریانا، سرطان ۱۳۲۶، سال پنجم، شماره ششم، صص ۳۲ تا ۳۷.
۴. «خریب بست». آریانا، عقرب ۱۳۲۸، سال هفتم، شماره ۱۰، صص ۱۳ تا ۱۴.
۵. «بست و لشکرگاه و رواق بست». آریانا، اسد و سنبله ۱۳۵۱، سال ۳۰، شماره چهارم، صص دو تا هشت.
۶. «تحقیق برخی از اماکن تاریخ بیهقی». آریانا، میزان و عقرب ۱۳۴۹، سال ۲۸، شماره پنجم، صص اول تا ۱۲؛ ماهنامه ادبی هرات، دوره دوم، سال ۳۹، شماره‌های اول و دوم، حمل و ثور ۱۳۵۱، صص پنجم تا هشتم. / پنجم تا هفتم و ۳۸ تا ۳۹.
۷. «وثائق تاریخی: مواضع احمد میمندی با سلطان مسعود غزنه». آریانا، سنبله ۱۳۲۹، شماره ۹۲، صص ۴ تا ۱۳.
۸. «بیهقی و افغان شال». آریانا، ۱۳۴۹، شماره دوم. یغما، اسد ۱۳۴۷، سال ۲۱، شماره پنجم، صص ۲۳۱ تا ۲۳۶.
۹. «عبید زور یا زون در زمین داور». آریانا، ۱۳۵۰، سال ۲۹، شماره ششم، صص ۶۵ تا ۶۶.
۱۰. «شاه بهار بیهقی». یغما، شماره ۱۸، صص ۵۷ تا ۶۰.
۱۱. «دنیور بیهقی». یغما، شماره ۲۰، صص ۶۱۹ تا ۶۲۴.
- حقیقی، خادم احمد.**
۱. «شگردهای ادبی و بلاغی تاریخ بیهقی»، خراسان، دور سوم، قوس و جدی ۱۳۹۲، سال ۱۱، شماره مسلسل ۱۱۲، صص ۱۶۶ تا ۱۷۶.
- خلیلی، خلیل الله.**
۱. «در اطراف حواشی آقای سعید نفیسی بر تاریخ بیهقی». آریانا، حوت ۱۳۲۱، سال اول، شماره دوم، صص ۱۹ تا ۲۴.
۲. «بونصر مشکان رئیس دیوان رسالت». آریانا، عقرب ۱۳۲۴، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۲۱ تا ۲۳.
۳. «باز اویماق». آریانا، ۱۳۲۴، سال سوم، شماره ۱۱.
- راعی، قیام الدین.**
۱. «نغات ترکی، مغولی و چینی در تاریخ بیهقی». ادب، عقرب ۱۳۴۹، جلد ۱۸، شماره ۴/۳، صص ۱۲۶ تا ۱۳۸.
- رشاد، عبدالشکور.**
۱. «چند لفظ مروج پشتو در تاریخ بیهقی». آریانا، میزان و عقرب ۱۳۴۹، سال ۲۸، شماره پنجم، صص ۲۴ تا ۳۹؛ ادب، عقرب ۱۳۴۹، جلد ۱۸، شماره ۳/۴، صص ۸۶ تا ۱۰۶.

طیبی، محمد محسن.

۱. «بوالفضل بیهقی» ماهنامه ادبی هرات، دوره سوم، سال ۴۰، شماره ۱۰، جدی ۱۳۵۲، صص ۳۰ تا ۳۳.

عالم شاهی، سید محمد ابراهیم.

۱. «بست». آریانا، ۱۳۳۲، سال ۱۱، شماره‌های هشتم و نهم.

غواص، محمد اعلم.

۲. «چهارباغ هرات»، فصلنامه هرات باستان، سال سوم، شماره اول تا چهارم، خزان و زمستان ۱۳۶۰، صص ۵۱ تا ۵۶.

فکرت، محمد آصف.

۱. «شرح برخی از مناصب و مراتب لشکری و کشوری غزنویان مأخوذ از تاریخ بیهقی». آریانا، میزان و عقرب ۱۳۵۰، شماره ۲۹۶، صص ۴۵ تا ۵۵.

قاضی زاده، محمد.

۱. «واژه‌های محلی هرات در تاریخ بیهقی»، اورنگ هشتم، سال سوم، شماره چهارم، (پی‌هم ۱۸)، جدی ۱۳۷۹، صص ۴ تا ۵.

کهزاد، احمد علی.

۱. «تصویر غلامان سرای سلطانی». آریانا، ۱۳۳۰، سال نهم، شماره هفتم، صص ۶ تا ۱۰.

۲. «شکرگاه بست». آریانا، ۱۳۳۸، سال ۱۷، شماره ۱۲.

مایل، میر غلام رضا.

۱. «باغ جهان آرا در هرات»، ماهنامه ادبی هرات، دوره دوم، سال ۱۰، شماره ششم و هفتم، سنبله ۱۳۳۶، ص ۱۸.

۲. «باغ سفید»، ماهنامه ادبی هرات، دوره دوم، سال ۱۰، شماره هشتم، میزان ۱۳۳۶، ص ۵۰.

۳. «باغ زاغان»، ماهنامه ادبی هرات، دوره سوم، سال ۴۰، شماره دوم، ثور ۱۳۵۲، صص ۳۶ تا ۴۰.

۴. «باغ جهان آرا در هرات»، ماهنامه ادبی هرات، دوره سوم، سال ۴۱، شماره ششم، سنبله ۱۳۵۳، ص ۴۲.

۵. «باغ سفید هرات»، ماهنامه ادبی هرات، دوره سوم، سال ۴۲، شماره چهارم، سرطان ۱۳۵۴، صص ۱۳ تا ۱۶.

میر حسین شاه.

۱. «مأخذ قدیم تاریخ چهار سلطان غزنوی». آریانا، اسد و سنبله ۱۳۴۵، سال ۲۴، شماره هفتم و هشتم، صص ۴۲۷ تا ۴۳۹.

۲. «تقب گذاری سلاطین غزنوی». آریانا، اسد و سنبله ۱۳۴۴، شماره ۲۶۰، صص ۳۵۶ تا ۳۷۰.

صدیقی، جلال الدین.

۱. «باغ عدنانی»، فصلنامه هرات باستان، سال سوم، شماره اول تا چهارم، زمستان ۱۳۶۰، صص ۲۶ تا ۳۱.

ناظمی، عبداللطیف.

۱. «سخنی در پیرامون ادبیات»، ماهنامه ادبی هرات، دوره سوم، سال ۳۶، دلو ۱۳۴۸، صص ۱۰ تا ۱۲.

۲. «مروری بر محتوای نثر کلاسیک دری»، ماهنامه ادبی هرات، دوره سوم، سال ۴۳، شماره ۱۰ و ۱۱، دلو و حوت ۱۳۵۵، صص ۱۰ تا ۱۱ و ۳۱.

نظری آریانا، گل احمد.

۱. «بیکار عقاب (چهره یک سالار بزرگ در آئینه تاریخ بیهقی)»، ماهنامه ادبی هرات، دوره سوم، سال ۴۴، شماره ۱۰ و ۱۱، جدی و دلو ۱۳۵۶، صص ۱۱ تا ۱۲.

۲. «چهره یک سالار بزرگ در آئینه تاریخ بیهقی»، ماهنامه ادبی هرات، دوره سوم، سال ۴۴، شماره‌های ۱۲، ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۷ و ۸، حوت ۱۳۵۶ و حمل، ثور، جوزا، سرطان، اسد، میزان و عقرب ۱۳۵۷، صص ۱۴ تا ۱۵ / صص ۱۷ تا ۱۸ / ص ۳۴ / صص ۳۱ تا ۳۲ / صص ۱۲ تا ۱۳ و ۲۹ / صص ۳۴ تا ۳۵ / صص ۲۷ تا ۲۸ / ص ۱۷.

نعیمی، علی احمد.

۱. «بست». آریانا، دلو ۱۳۲۱، سال اول، شماره اول، صص ۴۰ تا ۴۱.

۲. «خاندان میمندی». آریانا، سرطان ۱۳۲۴، سال سوم، شماره ۶، صص ۳۴ تا ۳۹.

۳. «شمس الکفات خواجه احمد بن حسن میمندی». آریانا، حوت ۱۳۲۳، سال سوم، شماره دوم، صص اول تا نهم.

۴. «شمس الکفات خواجه احمد بن حسن میمندی ۲». آریانا، حمل ۱۳۲۴، سال سوم، شماره سوم، صص اول تا ششم.

نیک سیر، عبدالغنی.

۱. «بیهقی و سرنوشت دردناک تاریخ آل سبکتگین»، اورنگ هشتم، سال اول، شماره پنجم، ۱۴ اسد ۱۳۷۸، صص ۱ و ۳.

همایون، غلام سرور.

۱. «چند نکته تازه در مورد تاریخ بیهقی». ادب، عقرب ۱۳۴۹، جلد ۱۸، شماره ۳/۴، صص ۱۰۷ تا ۱۲۵.

هیئت تحریر مجله آریانا.

۱. «د ابوالفضل بیهقی د نمانحنی تولنه». آریانا، اسد و سنبله ۱۳۴۹، سال ۲۸، شماره چهارم، صص ۸۵ تا ۸۷.

هروی، مایل.

۱. «باغ زاغان». آریانا، اسد و سنبله ۱۳۴۹، سال ۲۸، شماره چهارم، صص ۲۷ تا ۳۲.

مقالات بدون نام نویسنده.

۱. «حکایت سلطان محمود غزنوی در فتح سومنات»، ماه‌نامه ادبی هرات، دوره اول، سال سوم، شماره نهم، قوس ۱۳۱۳، صص ۴۶ تا ۴۸.

۲. «سلطان محمود غزنوی و شعرا»، ماه‌نامه ادبی هرات، دوره دوم، سال ۱۰، شماره چهارم، سرطان ۱۳۳۶، صص ۳۹ تا ۴۰.

۳. «داستان هرات (تغافل پادشاه درباره فرزندان)»، ماه‌نامه ادبی هرات، دوره دوم، سال دوم، شماره هشتم، حوت ۱۳۲۸، صص ۱۲ تا ۱۷.

۳-۴. لیست مقالات نزدیک به موضوع

انصاری، دکتور فاروق.

۱. «ماهیت نظام سیاسی غزنوی». آریانا، ۱۳۹۲، دوره سوم، شماره‌های دوم و سوم، صص ۸۴ تا ۸۸.

پرفیض، اسدالله.

۱. «منوچهری در دربار سلاطین غزنوی». خراسان، دور سوم، حمل و ثور ۱۳۹۲، سال ۱۱، صص ۱۴۶ تا ۱۵۵.

پیام، علی.

۱. «بررسی تطبیقی ادبیات اداری و منشیانه دوره سلاطین غزنی و افغانستان کنونی». ادبیات معاصر، بهار و تابستان ۱۳۹۵، سال اول، شماره‌های دوم و سوم، صص ۴۴ تا ۵۳.

توروايانا، نجیب الله.

۱. «مرگ محمود (داستان)». آریانا، اسد ۱۳۲۴، سال سوم، شماره هفتم، صص ۴۶ تا ۵۴.

جلالی، غلام جیلانی.

۱. «آثار و متروکات آل ناصر غزنه». آریانا، جوزا و سرطان، اسد، سنبله، میزان و عقرب ۱۳۴۳، سال ۲۲، شماره‌های پنجم، ششم، هفتم، هشتم، نهم و دهم، صص ۴۰ تا ۴۵، صص ۳۵ تا ۳۹، صص ۵۳ تا ۶۸.

حبیبی، عبدالحی.

۱. «آمدن رسولان خطا به دربار غزنه». آریانا، دلو و حوت ۱۳۴۴، سال ۲۴، شماره اول و دوم، صص ۱ تا ۱۵.

۲. «مأثر محمودی». آریانا، اسد و سنبله ۱۳۴۴، سال ۲۳، شماره هفتم و هشتم، صص ۳۴۹ تا ۳۵۵.

۳. «چند کتاب گم‌شده عهد غزنویان». آریانا، میزان و عقرب ۱۳۴۴، سال ۲۳، شماره نهم و دهم، صص ۴۷۵ تا ۴۸۰.

۴. «ز کتاب‌های گم‌شده عهد غزنویان». آریانا، ۱۳۴۵، سال ۲۴، شماره سوم و چهارم.

۵. «نساب محمودی». آریانا، اسد و سنبله ۱۳۵۰، سال ۲۹، شماره چهارم، صص ۶۸ تا ۷۰؛ ادب، ۱۳۴۳، سال ۱۲، شماره اول، صص یک تا دو، به زبان انگلیسی و به نام میرحسین شاه.

حصاریان، سیداکرام‌الدین.

۱. «اوضاع فرهنگی و ادبی خراسان (افغانستان) در دوره غزنوی». خراسان، دور سوم، قوس و جدی ۱۳۹۲، سال ۱۱، مسلسل ۱۱۲، صص ۳۹ تا ۷۲.

حقیقی، خادم احمد.

۱. «نگاهی به اوضاع فرهنگی-ادبی افغانستان در دوره غزنویان». خراسان، دور سوم، جوزا و سرطان ۱۳۹۴، سال ۱۳، مسلسل ۱۲۱، صص ۱۰۷ تا ۱۱۳.

حکیم، مایل آقا.

۱. «چه‌گونه‌گی انکشاف تعلیم و تربیه در عصر محمود غزنوی». آریانا، ۱۳۹۲، دوره سوم، شماره‌های دوم و سوم، صص ۲۸ تا ۳۸.

زیدان، عفاف‌السید.

۱. «نگاهی به دربار قهرمان اسلام سلطان محمود غزنوی و عنصری ملک‌الشعرای او». ادب، سرطان ۱۳۴۹، سال ۱۸، شماره اول و دوم، صص ۸۱ تا ۹۸.

سرور، ہمایون.

۱. «تسکلیات نظامی غزنویان». (ترجمہ)، آریانا، قوس، جدی، دلو و حوت ۱۳۴۱ و حمل ۱۳۴۲، سال ۲۰ و ۲۱، شماره ۱۱ و ۱۲ و ۱ و ۲ و ۳، صص ۴۳ تا ۴۸؛ صص ۲۹ تا ۳۶، صص ۳۷ تا ۴۷، صص ۹ تا ۱۶ و صص ۹ تا ۲۰.

۲. «ساختمان و اداره سلطنت غزنوی». (ترجمہ^۷)، آریانا، دلو و حوت ۱۳۴۵، حمل، ثور، جوزا، سرطان، اسد و سنبلہ ۱۳۴۶، سال ۲۵، شماره‌های اول، دوم، سوم و چهارم، صص ۴۷ تا ۵۳، صص ۶۰ تا ۷۰، صص ۳۰ تا ۴۳.

سروری، محمد نادر.

۱. «مسعود غزنوی و ابوریحان بیرونی». (ترجمہ) آریانا، جوزای ۱۳۳۲، سال ۱۱، شماره پنجم، صص پنجم تا ششم.

شریفی، محمد فاضل.

۱. «دبیات در عهد غزنوی». خراسان، دور سوم، اسد و سنبلہ ۱۳۹۲، سال ۱۱، صص ۱۴۶ تا ۱۵۴.

شعاع، محمد اصغر.

۱. «راجع به مسکوکات سلطان محمود غزنوی». آریانا، دلو ۱۳۲۳، سال سوم، شماره اول، صص ۲۹ تا ۳۰.

ضمیر، محمد حسن.

۱. «وزیر و مقام وزارت در عصر غزنوی». (ترجمہ^۸)، ادب، قوس-حوت ۱۳۵۲، سال ۲۱، شماره پنجم و ششم، صص ۶۶ تا ۷۵.

عزیز، رحیم.

۱. «دوره غزنویان»، آریانا، قوس ۱۳۳۱، سال ۱۱، شماره اول.

کھزاد، احمد علی.

۱. «فلزکاری عصر غزنوی». آریانا، ۱۳۲۵، سال چهارم، شماره چهارم.

معروف، عتیق اللہ.

۱. «غوریان و غزنویان». آریانا، سرطان، اسد و سنبلہ ۱۳۴۱، سال ۲۰، شماره‌های ہفتم، ہشتم و نہم، صص ۳۵ تا ۴۰، صص ۴۹ تا ۵۲، صص ۳۳ تا ۳۵.

^۷ اصل مقاله نوشتہ Clifford Edmund Bosworth و برگرفته از The Ghaznavids Chapter می‌باشد.

^۸ نویسندہ مقاله: ر. پ. تریپاتی.

میر حسین شاه.

۱. «مأخذ تاریخ غزنه». (ترجمه) آریانا. دلو و هوت ۱۳۴۴، سال ۲۴، شماره اول و دوم، صص ۸۰ تا ۱۰۰.

۲. «فرهنگ در دورهٔ احفاد محمود». آریانا، حمل ۱۳۴۰، سال ۱۹، شماره سوم، صص اول تا ۱۸.

۳. «تاریخ شهر غزنه». ادب، هوت ۱۳۴۳، سال ۱۲، شماره پنجم و ششم، صص ۴۳ تا ۴۴.

۴. «سیاست امپراتوری غزنوی‌های پیشین». ادب، هوت ۱۳۴۲، سال ۱۱، شماره دوم، سوم، چهارم، پنجم و ششم، صص ۸۰ تا ۹۳ و صص ۱۱ تا ۳۱.

نعیمی، علی احمد.

۱. «مختصری از تاریخ شهر غزنه». آریانا، ۱۳۳۴، سال چهارم، شماره هشتم.

وفا، محمدسرور.

۱. «عدالت محمود». آریانا، حمل ۱۳۲۸، سال هفتم، شماره دوم، صص ۹ تا ۱۴.

۴. نتیجه‌گیری

از آن‌چه تا این‌جا گفته شد، حاصل می‌شود که: تا اکنون در زمینهٔ بییهقی پژوهی در افغانستان در قالب کتاب و رسالهٔ در خور چاپ، کار مستقلی صورت نگرفته است و آن‌چه در این مورد نگاشته شده است، همه در قالب مقاله است؛

در بین تحقیقات انجام‌شده در هشتاد سال گذشته در افغانستان، تنها ۰،۴٪ و با مسامحه ۰،۷٪ در مورد تاریخ بییهقی بوده است؛ یعنی از هر صد مقاله‌یی که در حوزه علوم انسانی نگاشته‌شده، ۰،۴ مقاله در مورد تاریخ بییهقی بوده است؛

محتوای مقالاتی که در مورد تاریخ بییهقی نوشته اند را می‌توان به هشت دسته تقسیم کرد و طوری که از نظر گذشت، تحقیق در مورد اماکن تاریخ بییهقی، بیش‌ترین و بررسی خصوصیات ادبی-بلاغی تاریخ بییهقی کم‌ترین حجم تحقیقات را به خود اختصاص داده است؛

از بین محققانی که در حوزهٔ بییهقی پژوهی کار کرده‌اند، عبدالحی حبیبی با نگارش ۱۱ مقاله، بیش‌ترین سهم را در این زمینه دارد؛

از بین ۱۵ مجله‌یی که مقاله‌های شان بررسی شده است، تنها در هفت مجله به ارتباط تاریخ بییهقی، مقاله و یا مقالاتی به نشر رسیده است؛

بیش‌ترین مقاله‌های مرتبط به تاریخ بییهقی در مجلهٔ آریانا (۲۷ مقاله) و ماه‌نامهٔ ادبی هرات (۱۴ مقاله) منتشر شده است؛

از مهم‌ترین عوامل عدم التفات به بیهقی‌پژوهی در افغانستان را می‌توان اوضاع نامساعد سیاسی-اقتصادی (جنگ، نا امنی و فقر)، عدم وجود مراکز تحقیقی معیاری، ضعف نظام آموزشی، موجودیت تعداد کمی از محققان نخبه، عدم حمایت دولت از اهل تحقیق، کم‌بود امکانات چاپ و نشر و تعصبات قومی و لسانی و به تبع آن، سیاست فارسی‌ستیزی عنوان کرد.

سرچشمه‌ها

۱. ابن‌الرسول، دکتر محمد رضا و نفیسه رئیسی. (۱۳۸۷). «**کتاب‌شناسی تاریخ بیهقی**». تهران: فصل‌نامه تاریخ اسلام. سال نهم. شماره مسلسل ۳۵-۳۶، پاییز و زمستان، صص ۱۷۱ تا ۲۰۰. قابل دسترس در: <<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage>>
۲. احمدی بلندی، سید حیدر. (۱۳۹۶). «**صلح از دیدگا مولانا**». مزار شریف: مجله علمی-پژوهشی دانش‌گاه راه سعادت. شماره دوم، جوزا، صص ۵ تا ۱۴.
۳. ادیب پیشاوری، سیداحمد. (۱۳۶۲). **دیوان قصاید و غزلیات فارسی و عربی ادیب پیشاوری**. به جمع و تحشیه و تعلیقات علی عبدالرسولی. چ دوم. تهران: سلسله نشریات ما.
۴. رضوی، علی. (۱۳۴۷). «**فهرست بیست و پنج ساله مجله آریانا**». کابل: مجله آریانا. شماره ۲۷۷. اسد و سنبله. صص ۱۶ تا ۵۴.
۵. رویین، رازق. (۱۳۹۵). «**مولوی‌شناسی در افغانستان، ترکیه و ایران**». بلخ: همایش بین‌المللی خداوندگار بلخ. قابل دسترس در: <www.khorasanzameen.net>
۶. رهین، عبدالرسول. (۱۳۵۱). «**مقالات مجله ادب، فهرست، نویسندگان و موضوع ۱۳۳۲-۱۳۵۰**». کابل: مجله ادب. شماره چهارم. صص ۱ تا ۱۰۲.
۷. سعدی، مصلح بن عبدالله. (۱۳۸۱). **بوستان**. به تصحیح محمدعلی فروغی. تهران: بهزاد.
۸. سیدقاسم، لیلا. (۱۳۹۸). **بلاغت ساختارهای نحوی در تاریخ بیهقی**. چ دوم، تهران: هرمس.
۹. غیاثی، فاطمه. (۱۳۹۹). «**مولانا پژوهی در افغانستان**». کابل: مجله خراسان. دوره سوم. ربع اول و دوم. شماره مسلسل ۱۴۳-۱۴۴، صص ۸۴ تا ۱۱۰. قابل دسترس در:
۱۰. کاظمی، محمد کاظم. (۱۳۸۹). **این قند پارسی**. چاپ اول. تهران: عرفان.
۱۱. مصطفوی سبزواری، رضا. (۱۳۸۶). **آشنایی با تاریخ بیهقی**. تهران: سمت.